

نوشته: گبلا علی گبلا

# مصر و دنیای مدیترانه

مصر تاریخی، در اواخر هزاره چهارم ق.م با خط خاص خود، به صورت کشوری یکپارچه پیدایش یافت. این سرزمین به سرعت جایگاه تمدن درخشانی شد و در آن فلسفه و ادبیات، معماری و هنر، علوم و پزشکی، مدیریت و سازمان اجتماعی شکوفا گردید. از زمانهای کهن به علت موقعیت این کشور در ساحل مدیترانه، مصریها به گونه‌ای روز افزون با اروپا در تماس بودند. سهمی را که مصریها به فرهنگ غرب دادند در مجموع موجب غنای تمدن آنها گردید.

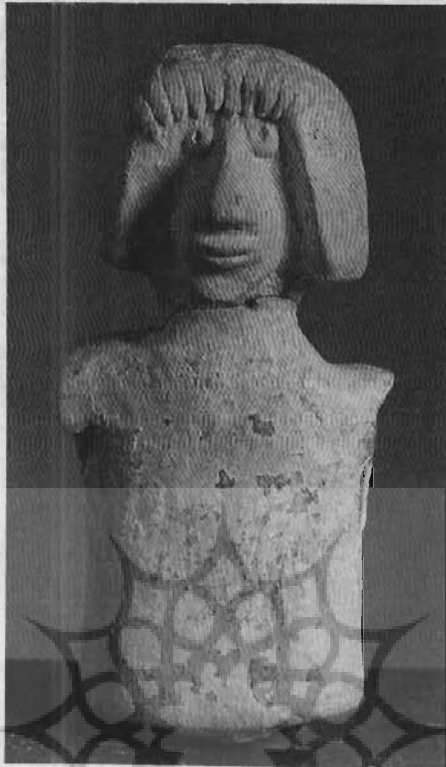
در حدود همان زمان، تمدن مینوسی (نامی که از مینوس پادشاه افسانه‌ای گرفته شده است) در سواحل اژه، که در جزیره کرت متمرکز بود، به وجود آمد. اگر چه دریای مدیترانه مانعی میان مصر و مجمع‌الجزایر اژه نبود، تماس میان بازرگانان و پیکهای مصری و اژه‌ای در ابتدا از طریق بندرهای فنیقی، و بخصوص بیبلوس، صورت می‌گرفت. کشتیهای تجاری مصری بی‌شک از این بنادر به کرت سفر می‌کردند و پیش از بازگشت مستقیم به مصر (در حدود ۲۷۰ میل دریایی از کرت) به کمک بادهای تابستانی شمال به قبرس، رودس، کارپات، و کاسوس می‌رفتند. در آن زمان این سفر سه روز و دوشب به طول می‌انجامید.

در باره روابط میان مصریها و اژه‌ایها مدارک متعددی در دست است. بسیاری از کوزه‌های سنگی استوانه‌ای شکل مصری در کرت پیدا شده و سرانجام نیز کرتیها تکنیک ساختن این کوزه‌ها را از مصریها اقتباس کردند. در جزیره کیتیرا، یک ظرف از سنگ مرمر پیدا شده که حاوی نام یکی از فراعنه مصری سلسله پنجم (حدود ۲۳۲۳ - ۲۴۶۵ ق م) است. در قرن بیست و دوم ق م، مدارک کتبی مصری از کفتیو نام می‌برند. این نام اقتباسی است مصری از نام سامی برای کرت، یعنی کفتور، که آن نیز در تورات آمده است.

در آغاز هزاره دوم ق م، میان مصریهای سلسله‌های میانی و کرتیهای دوران مینوسی میانی تجارت روبه رونق نهاد. اشیاء مصری زیادی، شامل لوازم مورد نیاز روزمره، مهرهای مسطح سوسکی شکل و یک تسندیس از سنگ خارا از همان دوران از کرت به دست آمده است. در عوض، سفال سبک کامارس و ظروف نقره‌ای که تأثیر اژه‌ای را نشان می‌دهند، از معبدی در نزدیکی الاقصر کشف گشته است.

در حدود ۱۵۰۰ ق م، مصر با رهایی از زیر یوغ هیکسوس‌ها و خروج از انزواگرایی سنتی، به یک قدرت بین‌المللی مبدل گردید، و به کمک یک سلسله پیروزیهای نظامی قدرت خویش را استحکام بخشید. فنیقیه و سوریه

► سر گلی مینوسی با سبک موی مصری (قرن چهاردهم یا سیزدهم ق م)



جزایر واقع در میان دریا، مطیع و باسرای خمیده در برابر قدرت اعلیحضرت توت‌موز سوم. تمام دلایل گویای آن است که این «جزایر واقع در میان دریا» همان جزایر شرق مدیترانه و شهر میسنا در مجمع‌الجزایر بلوبونز باشند. وجود اژه‌ایهای سبزه، با لباسهای پوست شیری و انبوه موهای ریخته برشانه‌ها، یک یا چند گیسوی بافته پیچیده به دو دور پیشانی، به هنگام گذر از خیابانهای طیوه برای حمل هدایای خویش جهت فرعون، که مصریها آن را «باج و خراج» می‌خواندند، برای مصریان منظره آشنایی شده بود. هدایا عبارت بود از جامهای بزرگ پر زرق و برق با دسته‌هایی به شکل جانوران، یا ظروف بلند با دسته‌های کوچک، مزین به نقشماهی‌های گلدار یا خطوط افقی چند رنگی.

در حدود اواسط قرن پانزدهم ق م تمدن کرتی، به احتمال بر اثر کشمکشهای درونی برای کسب قدرت، فرو ریخت. بنابر این، ناپدید شدن نام کفتیو پس از پایان آن قرن از منابع مصری تعجب زیادی نخواهد داشت. با این حال، تا پیش از قرن دوازدهم ق م که امواج پیوسته گروههای بربر، که مصریها آنها را «مردم دریا» می‌شناختند، همچون سیل خروشان به درون شبه جزیره بلوبونز سرازیر شده و آن را کینه توزانه به ویرانی کشیدند، عبارت «جزایر واقع در میان دریا» به طور مکرر در نوشته‌ها ظاهر می‌شد. این گروههای بیشمار از آناتولی (جایی که آنها حتی‌ها را از میان برداشتند) و یونان گذشتند و از راه دریا، از طریق جزایر مدیترانه و از راه خشکی با گذشتن از سوریه به مصر رسیدند. اما فراعنه قدرتمندی همچون راس دوم، مرنپتاه و رامسس سوم حمله آنها را دفع کرده و مصر را از ویرانی در مقیاس وسیع نجات دادند.

در اوایل قرن هفتم ق م حضور یونانیها در مصر از طریق مزدورانی که در سپاه مصر خدمت می‌کردند و تجاری که پایگاههای خود را در شهرهای گوناگون مصب بر پا ساخته بودند، احساس گردید. چشمان فلاسفه، مورخین، و جغرافیدانان یونانی که در باره مصریها به مطالعه پرداخته بودند، از تمدن مصری با یادمانهای غول آسای آن و باورها و غنای دانش مصریان خیره شده بود. می‌گویند طالس ملطی ستاره شناس، فیلسوف و ریاضی دان یونانی سالنامه شمسی ۳۶۵ روزه را در سالهای پایانی قرن هفتم ق م با خود از مصر به یونان برد. سولون سیاستمدار آتنی (حدود ۵۶۰ - ۴۹۰ ق م) زمانی از مصر دیدن کرد که، به گفته هرودوت، آماسیس دوم، فرعون سلسله شانزدهم، قانونی را به مردم ابلاغ کرده بود که بر اساس آن هر مصری مجبور بود درآمد سالانه خویش را اعلام کرده و آن را به فرماندار ایالت مسترد دارد. هر فرد محکوم به درآمدهای نامشروع به مرگ سپرده می‌شد. سولون قانون همسانی را در آتن اتخاذ کرده بود.

این تندیس مربوط به نذر و نیاز است که از دوران سلسله‌های جدید برجای مانده است. این تندیس که یک زن مصری را نشان می‌دهد، از غاری در زوزورا (در کرت) به دست آمده است.

► پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

به زیر سلطه مصریها افتادند و ناوگان مصر اداره بنادر فنیقی را به دست گرفت و نفوذ خود را به احتمال تا قبرس گسترش داد. حضور مصر وضعیت جدیدی را در حوزه شرق مدیترانه به وجود آورد. اگر کشتیهای بازرگانی اژه‌ای دوران مینویی جدید و میسنی‌های هلاس می‌خواستند همچون گذشته به بازارهای فلسطین و سوریه دست یابند، مجبور بودند به طور مستقیم با مصریها سروکار داشته باشند. به احتمال فراوان، کرتیها و میسینیها با فرعون نیرومند توت‌موز سوم (حدود ۱۴۲۵ - ۱۳۷۹ ق م) به توافق رسیدند. در آرامگاه رخمیری، وزیر این فرعون، در گورستان طیوه، فرستادگان کرتیها را در حال حمل باج و خراج از جزیره کرت نشان داده‌اند. کتیبه مصری صحنه را این گونه توصیف می‌کند: «ورود شاهزادگان از کفتیو و



► نقش برجسته از مقبره بونیمر یکی از کاهنان بزرگ آمون در زمان پادشاهی توت‌موز سوم (حدود ۱۴۲۵ - ۱۳۷۹ ق م)، بیگانگان را در حال آوردن «باج و خراج» برای معبد آمون در کرنک تصویر کرده است. در میان دو نفر سوری، یک کرتی با موهای بلند برشانه‌ها ریخته که از ویژگیهای آنها است، نشان داده شده است.

دیودوروس سیسیلی، مورخ دیگر یونانی تعریف می‌کند که لوکورگوس (پادشاه افسانه‌ای اسپارت) مانند افلاطون، از قوانین مصری الهام گرفت.

تأثیر مصر بر هنر اولیه یونان نیز مشهود است. مجسمه مرد جوانی از دوران یونان باستان به جای مانده که حالت مصری در آن کاملاً مشهود است. جوان کشیده بلند قد ایستاده و پای چپش را جلو آورده است. دستها به پهلوها آویزان است و مشت‌هایش گره کرده‌اند. حالات این نوع مجسمه نه تنها تقلیدی از مجسمه‌های مصری است، بلکه، همچنین در آن قواعد سنتی حاکم بر هنر مصری، به ویژه «قاعده تناسب» که خالقان آن بیش از دو هزار سال آن را به کار برده بودند، مراعات شده است. بدن انسان اساساً به هجده مربع برابر، و از دوره سلسله سائیتی<sup>۳</sup> (قرن هفتم ق م) که ذراع، واحد اندازه‌گیری طول تغییر کرد، به بیست و یک مربع تقسیم می‌شد. دیودوروس سیسیلی نقل می‌کند که در قرن ششم ق م پلگلس و ثودوروس، دو مجسمه‌ساز مشهور یونانی در ساختن مجسمه‌ای از آپولو با تقسیم بدن به بیست و یک مربع به سنت مصری نزدیک شدند.

در طول این قرن‌ها، یونانیها به گونه‌ای فزاینده با تاریخ مصر مربوط شده بودند. در ۳۳۲ ق م اسکندر مصر را گشود و یک سلسله مقدونی را، که در حدود سه قرن بر آن سرزمین فرمان راند، در آنجا بنیان گذارد. مصر بخشی از دنیای هلنی شد که حوزه شرقی مدیترانه را در بر می‌گرفت، و نویسندگان، جغرافیدانان، مورخان، معماران و ستاره‌شناسان اسکندریه، پایتخت جدید مصر، که یونانیها آن را برپا ساختند، به هلنیسم اعتباری تازه بخشیدند.

هنگامی که مارک آنتون (مارکوس آنتونیوس)، متحد کلئوپاترای هفتم، در سال ۳۱ ق م در جنگ شکست خورد، مصر به یک ایالت رومی مبدل گردید، و به عنوان انبار آذوقه روم به تدارک سپاه رومی هنگام پیروزیهای عمده یاری کرد.

در زمینه مذهب، پرستش ایزیس و اوزیریس (سرپس در شکل هلنی) و پرشان هوروس - هارپوکراتس، در دنیای یونانی - رومی به طور گسترده‌ای پذیرفته شده بود. افسانه اوزیریس، که بنای آن بر اعتقاد به زندگی پس از مرگ روح در جهانی بهتر استوار بود، به شدت مورد پسند عامه مردم بود. زیرا این افسانه نوید رستگاری را به همگان می‌داد، مفهومی که در پرستش خدایان یونانی - رومی وجود ندارد. برای یونانیها ایزیس تجسم سرنوشت بود، زیرا وی در رهایی خویش از نظارت خدایان موقوف شده و از آن راه قدرت مطلق را به دست آورده بود. نیایش ایزیس در روم با مذهب رومی و پرستش امپراتور رقابت می‌کرد. افزون بر آن، تلیث اوزیریس مقدم بر تلیث مسیحیت بود. پیش از ظهور مسیحیت، پرستش ایزیس در اروپا به همان اندازه که بعدها مریم



▲ مجسمه رومی از سنگ بازالت سیاه متعلق به ایزیس الهه مصری، که پرستش او در دنیای یونانی - رومی متداول بود.

دست بسنات، الهه خط و یادگیری، و حامی سالنامه‌های شاهی. این الهه به همان گونه که در این نقش برجسته بر تخت شاهی رامسس دوم (۱۲۲۴ - ۱۲۹۰ ق م) در الاقصر نشان داده شده است. همراه با توت، حامی کاتبان و هنر نگارش، نام و تاریخ فرمانروایی هر پادشاه را بر سنگهای درخت زندگی ثبت می‌کند.



باکره مورد پرستش قرار گرفت رابج شده بود. دنیا همچنین مدیون دو اختراع مصریان باستان است. سالنامه و الفباء. مصریان همانند دیگر مردمان نخست دست به اختراع یک نظام تاریخگذاری زدند که زمان را به سالهای قمری ۳۵۴ روز تقسیم می‌کرد. اما طولی نکشید که دریافتند این سالنامه به قدر کافی دقیق نبوده و مناسب با سازمان پیچیده نظام اداری آنان نیست. لذا کاربرد سالنامه قمری به استثنای برگزاری رویدادهای خاص مذهبی متوقف گردید. در حدود ۳۰۰۰ ق م مصریها یک سالنامه شمسی ۳۶۵ روزه را اختراع کردند که به دوازده ماه و هر ماه به سی روز تقسیم و در پایان هر سال پنج روز اضافی، یا «اپاگومنال» (روزهای اضافی سال قمری) به آن افزوده می‌شد. مصریها می‌دانستند که سال آنها شش ساعت کوتاهتر از سال شمسی (۱/۴ روز) بود. اما آنها مدت‌ها برای اصلاح این اختلاف کاری انجام ندادند. تنها تحت فرمانروایی یونانیها بود که مصریان افزودن یک روز در هر چهار سال یک بار به سالنامه رسمی را آغاز کردند. و آن را با سال شمسی همگام ساختند. یولیوس قيصر این سالنامه را اتخاذ کرد و از سال ۴۵ ق م آن را در روم به موقع اجراء گذارد. این سالنامه که به تقویم یولیانی معروف است در اروپا و در غرب تا پایان قرن شانزدهم مورد استفاده بود. در این قرن پاپ گریگوری سیزدهم آن را تصحیح کرد، و به عنوان سالنامه گریگوری در سراسر جهان شناخته شد.

در اواخر هزاره چهارم ق م مصریها نظام خطی را اختراع کردند که علامت آن هیروگلیفی بود، یعنی بیشتر تصویر بودند تا حرف. این تصاویر نه برای معنی، بلکه برای صداهایی که ارائه می‌کردند، انتخاب شده بودند. درست است که الفبای جدید اروپایی از الفبای یونانی - رومی گرفته شده است، که آن نیز خود اشتقاقی است از الفبای فنیقی. اما فنیقی‌ها خود متأثر از کدام نظام خط بوده‌اند. تاریخ کهنترین متون شناخته شده سامی به قرن پانزدهم ق م می‌رسد. این متون در صحرای سینا کشف شد که شامل عبارات سامی نوشته با علامت شبیه به هیروگلیف بود به احتمال فراوان اساس این خط سامی هیروگلیف بود، که نظامی از اصوات تصویری را به کار می‌برد، و پس از چند قرن تطور به الفبای فنیقی تبدیل گردید، که در آن هر حرف نشان دهنده یک صدا بود. بنابراین، احتمال دارد که الفبای یکی از بزرگترین دستاوردهای ذهن انسان، خاستگاه مصری داشته باشد.

گیلا علی گیلا، مصری استاد مصرشناسی در دانشگاه قاهره است. پیش از آن استاد میهمان در دانشگاههای محمد پنجم (مراکش)، فلوریدای مرکزی (ایالات متحده) و دانشگاه کویت بود. او نویسنده دو کتاب به زبان انگلیسی داستان سرایی در هنر مصری (۱۹۷۶) و مقبره ممفیس - معبد موسه (۱۹۷۷) و بسیاری مقالات دیگر است.